معانی مختلف زوال

شاگرد: در بعضی از روایات گویا زوال لحظه نیست. مثل روایتی که میگوید در وقت زوال نماز نخوانید که فیحای از جهنم است. ای مثلاً در روایت دارد که روز جمعه کوتاهتر است بخاطر اینکه خورشید در روزهای دیگر به هنگام زوال برای تعذیب جهنمی ها توقف میکند اما روز جمعه توقف نمیکند. لذا روز جمع کوتاهتر است.

استاد: ببینید گاهی زوال گفته میشود که بهمعنای آن است. گاهی زوال میگوییم که بهمعنای حین است. حین قبل و بعدش را هم میگیرد. میگویند در حین فلان پدیده لحظهای. حین که میگویند عرفا قبل و بعد آن را هم میگیرند. در حین زوال بهمعنای آن لحظه نیست. در حین زوال هوا خیلی داغ است، «فابردوا»، صبر کنید. این یعنی یک لحظه بعد از آن؟! ای حتی ده دقیقه بعد از آن؟! نه. اگر خواستید در فدکیه نگاه کنید هفت-هشت واژه برای زوال به کار رفته است. یکی از آنها زاغت است،... . اما «زالت الشمس»، قبل و بعد است. وقتی در روایات قبل و بعد را به آن ضمیمه میکند آن وقت، لحظه میشود. میگویند وقتی مسافرت بودی اگر قبل از زوال رسیدی...، اینجا بگویی اگر ده دقیقه قبل از آن رسیدی کافی نیست، چون ده دقیقه قبلش هم زوال است، این را قبول میکنید؟! ای ساعت نگاه میکنید و میگویی هنوز زوال نشده است، چون من قبل از زوال رسیدهام. چرا؟ چون واژه قبل و بعد، موضوع زوال را لحظهای میکند. اما حین الزوال، کلمه حین، زوال را گستردش میدهد و آن را عرفی میکند. یعنی در هنگامهی زوال. در نیمه شب، عرف خیلی وقتها که میگوید نیمه شب، به ساعت ایزده میگوید که دیگر نیمه شب است. چرا؟ چون محدوده وسیع را در نظر میگیرد.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #1
ایجاد شده 10 مه 2026 10:29:16 توسط ... .
به روزرسانی شده 10 مه 2026 10:29:48 توسط ... .